

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۹۳ - ۱۱۲

بررسی تطبیقی رویکردهای پیشگیرانه از شهادت زور از منظر اخلاق، فقه امامیه و حقوق ایران و مصر

سیدمحمد ابراهیمی^۱
محمد رسول آهنگران^۲
سیدابوالقاسم نقیعی^۳

چکیده

شهادت به عنوان ابزار و از ادله مشترک در اثبات دعوی، در فقه امامیه و حقوق ایران و مصر، دارای جایگاهی پر اهمیت است. لذا برای پیشگیری آن از آفت تزویر بایسته است اقداماتی در دو حوزه پیشینی و قبل از وقوع یعنی عدم ابتلا به جرم شهادت زور و حوزه پسینی و بعد از وقوع جرم، یعنی حوزه درمان پرداخت. در این مقاله در حوزه پیشینی و کنشی به بررسی رویکردهای اخلاق و عدالت در فقه و حقوق ایران و مصر پرداخته شده و معتقد است توجه به عدالت در شاهد به عنوان پلیس درونی، عنصری بازدارنده از ارتکاب شهادت زور می باشد و بکارگیری عامل اخلاق تضمین کننده در بازدارندگی از شهادت زور محسوب می گردد. در حوزه اقدامات پسینی و واکنشی ضمن پرداختن به مجازاتهای مختلف، بر بکارگیری مجازات تشهیر که از مختصات و شاخصه فقه می باشد به عنوان اقدام اساسی و اصلی بازدارنده از تکرار جرم شهادت زور، تصریح شده است. و در تطبیق سه نظام یاد شده خلاء عناصر عدالت و اخلاق و تشهیر در حقوق مصر و نیز فقدان این مجازات در حقوق ایران به عنوان نقاط ضعف هر یک از نظامات حقوقی یاد شده تلقی گردیده است.

واژگان کلیدی

شهادت زور، پیشگیری، عدالت، اخلاق، مجازات، تشهیر.

۱. دانشجوی دکتری فقه و حقوق اسلامی، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استاد گروه فقه و مبانی حقوق پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: ahangaran@ut.ac.ir

۳. دانشیار گروه فقه و حقوق، دانشگاه شهید مطهری، تهران، ایران.

پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۲/۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۷

طرح مسأله

از مهم‌ترین و اساسی‌ترین ابزارها و ملاک‌های اثبات دعوی در فقه و حقوق ایران و مصر شهادت شهود می‌باشد و در قرآن در موارد متعددی به این مهم اشاره شده است: اثنان ذوا عدل منکم (۱۰۶، مائده) و اشهدوا ذوی عدل منکم (۲، طلاق) و استشهدوا شهیدین من رجالکم (۲۸۲، بقره) و نیز در حقوق ایران و مصر به عنوان دلیل اثبات مورد توجه واقع شده است در حقوق ایران مواد (۴۰۶ تا ۴۲۶) قانون مدنی و مواد (۱۷۴ تا ۲۰۰) قانون مجازات اسلامی و در حقوق مصر طی مواد (۶۰ تا ۱۰۲) قانون اثبات مواد مدنی و تجاری و مواد (۲۷۷ تا ۲۹۴) ماده (۳۸۱) قانون الاجراءات جزایی مصر و بحث شهادت زور در قانون عقوبات در باب ششم طی مواد (۲۹۴ تا ۳۰۰) مورد تصریح قرار گرفته است. اما آنچه در این مهم، مورد توجه و مذاقه است اینکه آیا هر شهادتی می‌تواند مفید فایده باشد و قاضی را به عدالت قضایی رهنمون نماید؟ در پاسخ باید گفت اگر چه شهادت ابزاری لازم و ضروری برای اثبات جرم است ولی اگر این عامل آسیب‌شناسی نشود و بدون هیچ ملاحظه‌ای مبادرت به استفاده از شاهد گردد نه تنها نتایج مثبت نخواهد داشت بلکه باعث بروز سوء استفاده‌های متعدد و مختلف خواهد گردید به طوری که از قبل این شهادت بارگاهی برای سوداگری و طمع‌ورزی وضع می‌شود، و ضمن تولید شهادت دروغ که در فقه به عنوان گناه کبیره و در حقوق به عنوان جرم علیه عدالت قضایی، جرم انگاری می‌شود، جریان دادرسی را با اختلال و مخاطره مواجه می‌سازد و علاوه بر آسیب فردی، آسیب‌های اجتماعی جبران‌ناپذیری را موجب خواهد شد، لذا بایسته است که با توجه به اهمیت موضوع شهادت در نظام قضایی و جایگاه بی‌بدیل آن در این روند، عناصری را جهت پیشگیری از ابتلا به آفت‌ها و آسیب‌ها، شناسایی نمود از این رو این مقاله در مقام آن است که جهت تحقق این خواسته با نگاه تطبیقی به این موضوع در فقه و حقوق ایران و مصر ابتدا در حوزه پیشینی به اخلاق و عدالت شاهد که شاخصه اصلی فقه و حقوق ایران است و در حوزه پسینی در صورت افافه نکردن کنش‌های اخلاقی، علاوه بر پرداختن به مطلق مجازات برای شاهد زور که وجه مشترک فقه امامیه و دو سیستم حقوقی ایران و مصر است، به مجازات تشهیر به عنوان مجازات اختصاصی فقه پرداخته شود.

در حوزه اقدامات پیشینی، بکارگیری شاهد عادل و پایبند به اخلاق و آموزه‌های دینی به عنوان عنصر اساسی احتراز و پیشگیری از ابتلا به جرم شهادت زور ضروری می‌باشد و با توجه به اختلاف آراء فقها در تعریف عدالت، معتقد است که شاهد در صورت اتصاف به هر یک از عدالت نفسانی یا عملی و داشتن مروت از چنان اخلاقی برخوردار می‌شود که وی را از ارتکاب گناه و جرم مصون می‌دارد و در واقع مروت شخص شاهد به معنی متخلق بودن به کردار و رفتار نیکو و پسندیده در او محسوب می‌گردد و لذا معتقد است هر چه شاهد با ملکات نفسانی و

اخلاق حسنه قرین باشد ضریب ارتکاب شهادت زور کاهش خواهد یافت اما وقتی اقدامات کنشی در حوزه پیشینی کارساز نشوند و نتوانند از وقوع جرم جلوگیری کنند نوبت به استفاده از مجازات ها و اقدامات واکنشی در حوزه پسینی می رسد که با عطف توجه به مجازات تشهیر به عنوان خصیصه فقه و پیشنهاد درج و کاربرد آن در قوانین موضوعه ایران و مصر به عنوان مجازات عمومی، می توان بستر وصول به کاهش شهادت زور را فراهم ساخت. در این مقاله بر اساس تبیین مقام و جایگاه عناصر اخلاق و عدالت در اقدامات پیشینی و کنشی در فقه امامیه و حقوق ایران و تمرکز بر مجازات اختصاصی فقه یعنی تشهیر، در حوزه اقدامات پسینی و واکنشی، و بیان خلاء این عناصر در حقوق مصر، از طریق روش توصیفی - تحلیلی استفاده گردیده است.

رویکردهای پیشینی

۱- پیشگیری کنشی

پیشگیری دارای اشکال مختلف است (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۷۸ش، ص ۱۲۹ تا ۱۴۹). در کنار پاسخ های سرکوبگر ضرورت جستجوی پاسخ های خارج از قلمرو حقوق کیفری از جمله پاسخ های پیشگیرانه در برابر جرم احساس می شود، مراد از پاسخ های پیشگیرانه در یک تعریف اجمالی اقدام هایی است که جنبه کنشی داشته و با ماهیتی غیر قهر آمیز یا در مقام سالم سازی جامعه یا برای رفع بحران های جرم زا و یا برای به هم زدن اوضاع و احوال قبل بزهکاری اتخاذ می شوند (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۳ش، ص ۵۶). در نظام حقوق اسلامی، برای پیشگیری از جرم و گناه تدابیر خاصی اندیشیده شده است و شارع مقدس برای اجرای آنها، راه های مختلفی را مقرر داشته است (ولیدی، ۱۳۸۴ش، ص ۴). پیشگیری اقدامات و تدابیری است که باعث ممانعت و جلوگیری و احتراز از ارتکاب یا کاهش و محدود سازی تحقق آن می گردد. موثرترین راهکار، پیشگیری کنشی از ارتکاب گناه و جرم شهادت زور محسوب می شود. از منظر جرم شناسی پیشگیرانه، اقدامات کنشی غیر قهر آمیز و بیرون از دامنه نظام کیفری، به مثابه ابزاری است که دولت را در رسیدن به هدف والای بزهکاری بدون توسل به سرکوبگری و سزادهی یاری می رساند (دارابی، ۱۳۹۷ش، ص ۳۸). از طریق تقویت ایمان و ایجاد تربیت صحیح و اصلاح جامعه و از بین بردن علل وقوع جرم می توان از تعداد جرم ها و جنایت ها تا حدود زیادی کاست (شهید مطهری ۱۳۷۰ش، ج ۱، ص ۲۲۶)

۱-۱- عدالت و اخلاق (مروت)

اصل اولی در مبارزه و مقابله با هر بیماری و بزهکاری، جلوگیری از ابتلا به بیماری می باشد یکی که از اشکال پیشگیری از جرم، بررسی علت و مبارزه علیه آن است یعنی باید زمینه و بستری را فراهم ساخت تا در سایه آن مصونیت ایجاد گردد. از آنجا که ارتکاب شهادت زور همانند سایر جرائم می تواند تابعی از وضع اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، خانواده و ... باشد برای

مبارزه با این بزه باید عوامل مذکور از بین برود و باید گفت علاوه بر مشکل بودن اصلاح آنها، این مهم از حیطة اختیار فردی نیز خارج است ولی برای برون رفت از آن می‌توان به تقویت ایمان و توجه به اخلاقیات و آموزه‌های دینی که از اوصاف فرد عادل است، اشاره نمود. آموزه‌های دینی عموماً تضمین‌کننده پیشگیری از بزهکاری است (گسن به نقل از ولیدی، ۱۳۸۸ش، ص ۴۱). شریعت جزایی اسلام در مقام مبارزه با ارتکاب گناه افراد، مردم را تنها متوجه کیفر دنیوی ننموده بلکه با تهدید به عذاب اخروی و تقویت ایمان به معاد می‌خواهد از وقوع جرائم پیشگیری نماید (گلدوزیان، ۱۳۶۸ش، ص ۷۶). اگر شاهد عادل باشد احتمال دروغ‌گویی او بسیار پایین است (زراعت، ۱۳۹۷ش، ص ۱۵۴). عدالت از شروطی است که شاهد را به درستی گفتار متصف می‌نماید (بهرامی، ۱۳۹۷ش، ص ۱۳۶). عدالت در فقه اسلام عبارتست از یک نیروی معنوی پایداری که صاحبش را دائماً در پرهیزگاری و رعایت جانب مروت نگهدارد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸ش، ص ۱۷۸). شروطی که شاهد را به درستی گفتار متصف می‌نماید، عدالت، علم به مشهوده، شایستگی اخلاقی و دوری از آنچه مخل بر مروت است (بهرامی، ۱۳۹۷ش، ص ۱۳۶). تعدادی از افراد تحت تاثیر عقاید مذهبی، اصول اخلاقی، وضع جسمی و روانی، موقعیت اجتماعی دارای عواملی هستند که با وجود عوامل جرم‌زا مرتکب جرم نمی‌شوند (دانش، ۱۳۷۹ش، ص ۱۰۰). یکی از اهداف بزرگ جرم‌شناسی پیشگیری و ممانعت از وقوع جرم است... به همین جهت کلیه کوششها باید در راه مبارزه با اعمال بزهکاران باشد نه شفا دادن بزهکاران (مظلومان، ۱۳۵۶ش، ص ۵۱). بر اساس تاکیدات و تعاریف یاد شده از پیشگیری، باید گفت در حوزه پیشینی، بکارگیری شاهد عادل و متصف به اخلاق برای اداء شهادت از تدابیر مهم وصول به هدف یادشده می‌باشد. زیرا وجود ایمان و تقوا و اخلاق در فرد به مثابه پلیس درونی، او را از ارتکاب بزه و گناه باز می‌دارد.

۱-۱-۱. عدالت

در لغت - یعنی هر آن چیزی که فطرت انسان حکم به استقامت و درستی آن کند (ابن منظور، بی تا، ج ۱۱، ص ۴۱۴). عدالت در مقابل ظلم و جور است (فیومی، ۱۴۰۵ق، ص ۳۹۶). عدالت در لغت یعنی انسانی که دارای احوال متعادل باشد (شیخ طوسی، بی تا، ج ۸، ص ۲۱۷). در اصطلاح: ۱- عدالت ملکه ای درونی و نفسانی است که فرد را بر تقوا و مروت وادار می‌کند (مشهور فقهای امامیه بعد از علامه حلی، علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۲۹؛ شهید اول، بی تا، ج ۲، ص ۲۵۹؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۱۰۷؛ امام خمینی، ۱۳۸۴ش، ج ۴، ص ۱۵۰). ۲- عدالت صرف ترک گناهان کبیره و صغیره یا ترک گناه کبیره را گویند (ابن ادریس، نراقی، ابی صلاح، ابن حمزه، محقق سبزواری، به نقل از شیخ انصاری، ۱۱۴۴ق، ج ۶). ۳- عدالت یعنی استقامت و عدم انجام گناه عملی و فعلی که از سر ملکه و حالت پایدار درونی باشد (شیخ

مفید، ۱۴۱۰ق، ۷۲۵؛ شیخ طوسی، بی تا، ج ۸، ص ۲۱۷ و النهایه، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۵۲؛ محقق حلی، ۱۳۶۴ش، ج ۴، ص ۹۱۱. ۴- عدالت یعنی مسلمان بودن و عدم فسق (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۲۱۷ و بی تا، ج ۸، ص ۲۱۷؛ ابن جنید به نقل از علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۵۱۳؛ شیخ مفید به نقل از شیخ انصاری، ۱۳۷۴ش، ص ۳۲۶؛ خوانساری، ۱۳۵۵ش، ج ۶، ص ۱۰۶). ۵- فقهای قدیم عدالت را حسن ظاهر تعریف کرده اند (انصاری، ۱۳۷۴ش، ج ۳، ص ۱۶۵). یعنی اگر انسان به ظاهر اعمال دینی بپردازد و ظاهر او موجب شک در فسق او نشود، عادل محسوب می شود.

عدالت با هر کدام از تعاریف یاد شده بدین معنا است که فرد در سایه توجهات به آموزه های دینی و اخلاقی، خود را از اجتناب به گناه و معاصی دور نگه می دارد و لذا موجبات احتراز شهادت زور که به عنوان جرم و گناه تلقی می گردد از بین می رود. و به نظر می رسد طبق نظر مشهور فقها، عدالت یک معنی بیشتر ندارد و شامل ملکه و عدالت نفسانی است که مرتبه ای از مراتب بعد از عصمت محسوب می شود، نهایتاً آنکه عصمت ملکه ای است که در نفوس معصومین حاصل می شود. اما ملکه عدالت، از صدور انجام گناه منع نمی کند، بلکه انجام گناه را سخت می کند و فرد را اخلاق مدار نموده و موجبات ترک گناه و جرائم را برایش فراهم می سازد. آقای خوبی که قائل به عدالت عملی است، معتقدند عدالت یعنی استقامت عملی در جاده شریعت و فرد باید در همه ادوار و حالات استقامت داشته باشد (خوبی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۲۱۵). و به عبارت دیگر باید متصف به اخلاق عملی در زندگی خود بوده و خدا را ناظر و حاضر بر اعمال و کردار خود بداند. بنابر این با اتصاف شاهد به عدالت و اصول اخلاقی، موجبات احتراز وی از ارتکاب به گناه کبیره که از مصادیق بارز آن دروغگویی و شهادت زور می باشد، فراهم خواهد شد.

۱-۱-۲. مروت

مروت یعنی هیات نفسانی که انسان را بر اخلاق نیکو و عادت زیبا وادار می کند (فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۳۷۴). مروت یعنی پاک ساختن فرد از چیزهای زشتی که در شان مثل او نیست، مانند مسخره کردن، کشف عورت در نماز که تاکید شده بر استحباب پوشش آن و چیز خوردن در بازار و اینکه فقیه لباس نظامی بپوشد یا برعکس نظامی لباس فقیه را بپوشد (شهید اول، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۱۴۶).

مروت به عنوان شرط عدالت: اکثر فقها، مروت را شرط عدالت می دانند و قائل به کاشفیت مروت برای عدالت هستند (شیخ طوسی، بی تا، ج ۸، ص ۲۱۷؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۱۷؛ ابن حمزه، ۱۴۰۸ق، ۲۳۰؛ علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ۷۱۸؛ شهید اول، بی تا، ج ۲، ص ۲۳۷ و ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۱۲۵؛ و ۱۴۱۹ق، ص ۲۶۷؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۳۷۲؛ شهید ثانی، بی تا، ج ۳، ص ۱۳۰). و لذا ترک مروت را موجب زائل شدن عدالت می شمردند. و در

کتاب المدارک و الذخیره از فقهای متأخر نقل شده که مشهور علماء امامیه و اهل سنت این نظر را دارند (نراقی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۸، ص ۱۲۰). و در تایید آن استدلال کرده اند به: ۱- اصل ۲- شهرت ۳- اینکه نفی مروت فساد عقل یا بی توجهی به دین است ۴- کسی که فاقد مروت است مورد اطمینان و وثوق نیست. ۵- عرف فرد بی مروت را عادل نمی خواند. ۶- روایت امام کاظم (ع) مبنی بر اینکه کسی که مروت ندارد دین ندارد و کسی که عقل ندارد مروت ندارد (کلینی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۱۳ و ۱۲).

۱-۱-۳. اخلاق و عدالت در حقوق ایران

با توجه به تعریفی که از عدالت شاهد در قانون ایران ذکر شده حاصل می شود که عدالت و اخلاق دو بال جدا ناپذیر از یکدیگر هستند و انسان عادل همان انسان متخلق به اصل و ارزش های الهی است که در سایه آن خود را از گناه و جرم دور نگه می دارد. طبق ماده ۱۸۱ قانون مجازات اسلامی عادل کسی است که در نظر قاضی یا شخصی که بر عدالت وی گواهی می دهد، اهل معصیت نباشد. و شهادت شخصی که اشتها به فسق داشته باشد، مرتکب گناه کبیره شود یا بر گناه صغیره اصرار داشته باشد تا احراز تغییر در اعمال او و اطمینان از صلاحیت و عدالت وی، پذیرفته نمی شود. عدالت یعنی ترک جرائم بزرگ و اصرار نوزیدن بر جرائم کوچک و رعایت مروت (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸ش، شماره ۵۳۲۶).

همچنین طبق ماده ۱۳۱۳ قانون مدنی شهادت اشخاص ذیل پذیرفته نمی شود:

- ۱- اشخاص ولگرد و کسانی که تکدی را شغل خود قرار دهند.
- ۲- اشخاص معروف به فساد اخلاق
- ۳- کسی که نفع شخصی در دعوی داشته باشد.
- ۴- شهادت دیوانه در حال دیوانگی.
- ۵- کسانی که عدالت شرعی آنها محرز نشده باشد. و ماده ۱۳۱۳ مکرر ق. م. و تبصره آن و ماده ۱۷۷ ق. م. ا. همگی دلالت صریح بر شرط اتصاف شاهد به عدالت و اخلاق دارند.

۱-۱-۴. اخلاق در حقوق مصر

در حقوق و قوانین مصر علیرغم تاکید اصل دوم قانون اساسی این کشور مبنی بر وضع قوانین بر اساس شریعت اسلام، صراحتاً به نکات اخلاقی و آموزه های دینی توجه نشده است. اصل دوم قانون اساسی مصر مقرر داشته: دین رسمی کشور اسلام، زبان رسمی آن عربی و منبع اصلی قانونگذاری شریعت اسلام است. سنهوری می گوید: آنچه در حقوق امروز مصر مهم است حصول اطمینان و یقین قاضی از امانتداری و صدق گفتار شهود می باشد بنابر این نه تنها در مسائل جزایی بلکه در امور مدنی و تجاری نیاز به تعدد و جنسیت و سن خاصی برای شهود نمی شود (السنهوری، ۲۰۰۹م، ج ۲، ص ۳۲۲). این سخن سنهوری تاییدی است که صدق و امانتداری و درستی رفتار شاهد از لوازم صحت شهادت شاهد می باشد و البته برای وجود چنین اوصافی لازم است فرد شرایط ابتدایی بلوغ و عقل را دارا باشد زیرا از مقتضیات بدیهی برای بروز رفتار به

هنجار و دور از خطا رسیدن به رشد سنی و عقلی می باشد ولی علیرغم این تاکیدات، در قوانین مصر، اشاره صریح به آنها نگردیده است.

۲. ارزیابی

۲-۱. عدالت و اخلاق

در فقه و حقوق ایران بر عدالت نفسانی و توجه به اخلاق به عنوان عنصر اساسی برای احتراز شاهد از شهادت زور تاکید گردیده است. عدالت یعنی فرد در اثر تعهد دینی بر حسب عادت، به انجام گناه تمایلی نداشته و از آن پرهیز نماید که تحقق آن نیز چندان سخت نیست (ایزدی فرد؛ کاویار؛ حسین نژاد، ۱۳۹۷ش، ص ۳۱). لذا عادل کسی است که مرتکب گناه کبیره نشده و بر صغیره نیز اصرا نرزد و دارای اخلاقی باشد که همواره خداوند را ناظر و حاضر بر اعمالش بداند. و مروت را می توان معنای دیگر اخلاق تلقی نمود که بر این اساس از شرایط اصلی عدالت در شاهد می باشد یعنی لازم است که شاهد دارای خلق نیکو و حسن باشد تا بتواند متصف به عدالت محسوب گردد و یکی از مصادیق فضایل اخلاقی صداقت و عدم دروغ و تهمت می باشد (خواجه نصیر طوسی، ۱۳۷۷ش، ص ۵۵ تا ۵۸). که خود عامل بازدارنده از شهادت زور تلقی می گردد.

رویکردهای پسینی

وقتی رویکردهای پیشینی نتوانند نسبت به احتراز از بزه و جرم، کافی باشند نوبت به استفاده از اقدامات پسینی یعنی برخورد قهری با مجرم و به عبارتی پیشگیری عادلانه کیفری می گردد تا در سایه آن هم مجرم از تکرار جرم دست بردارد و هم عبرتی باشد برای سایر مردم که به این نوع جرائم نپردازند. شهید مطهری در همین رابطه می گوید تربیت و ایجاد دارالتادیب بی تردید لازم و ضروری است و تربیت صحیح، مسلم است که از میزان جرائم می کاهد ولی هیچیک از اینها جای دیگری را نمی گیرد نه تربیت و نظامات عادلانه جانشین کیفر و مجازات می شود و نه کیفر و مجازات جانشین تربیت صحیح و نظام اجتماعی سالم (شهید مطهری ۱۳۷۰ش، ج ۱، ص ۲۲۶). و لذا شارع مقدس نیز برای حفظ نظام بشری، به مجازات به عنوان یکی از راهکارها و رویکردها، توجه نموده و علاوه بر مجازات اخروی برای فرد بزهکار، مجازات دنیوی نیز تعیین نموده است که در این راستا برای شهادت زور نیز جرم انگاری کرده و مجازات تعیین نموده است. هر قدر که جوامع بزرگتر، مدرن تر، پیچیده تر و متنوع تر می گردند از حقوق کیفری به عنوان مکانیزم مهم کنترل استفاده می گردد (شیکر، ۱۳۹۳ش، ۱). اهداف مجازات را می توان به عینی یعنی اصلاح و تربیت مجرم و هدف ذهنی یعنی ایجاد عدالت تقسیم نمود (نوربها، ۱۳۸۶ش، ۳۵۴ و ۳۵۵). هدف از مجازات تنبه مجرم و دیگران از ارتکاب جرم است (کاتوزیان، ۱۳۸۶ش، ۱۱). بدون تردید یکی از راه های منطقی و صحیح در بروز جرم،

پیشگیری از آن است (اردبیلی، ۱۳۸۰ش، ص ۳۶). به طور کلی مجازات شهادت زور را در فقه می‌توان به مجازات اختصاصی و عمومی تقسیم کرد. مجازات اختصاصی: اگر شهادت زور موجب ایجاد خسارت شود باید از سوی شهود جبران گردد. در خسارت مالی جبران خسارت به دو شیوه برگرداندن وضع او به صورت پیشین یا جبران خسارت از راه دادن معادل است (کاتوزیان، ۱۳۸۶ش، ص ۳۵۶). و در خسارت جانی و بدنی باید قصاص شده یا در صورت مصالحه، دیه پرداخت نمایند، مجازات عمومی: که شامل تشهیر و تعزیر مجرم است.

۱. جرم انگاری شهادت زور

اصل در شریعت اسلام این است که مسئولیت کیفری تنها در مورد عملی مترتب می‌شود که شخص آنرا از روی عمد انجام می‌دهد که شارع آنرا حرام نموده است و دلیل آن نص آیه ۵ احزاب "و لیس علیکم جناح فیما اخطاتم به و لکن ما تعمدت قلوبکم" است (محمدی، ۱۳۹۵ش، ص ۱۲۹). ولی از آنجا که شهادت زور جرم مطلق می‌باشد چه عمدا و چه سهوا، مستوجب مجازات تلقی شده است.

در قرآن: ۱- والذین لا یشهدون الزور و اذا مزوا باللغو مزوا کراما (۷۲، فرقان) و کسانی که شهادت به ناحق ندهند و چون با ناپسندی برخورد کنند با بزرگواری بگذرند. ۲- و اجتنبوا قول الزور (۳۰، حج) و از قول ناحق دوری گزینید.

در سنت: ۱- حدیث نبوی: ایها الناس عدلت شهادة الزور بالشرك بالله ثم قرا فاجتنبوا الرجس من الاوثان و اجتنبوا قول الزور. رسول اکرم (ص): ای مردم شهادت به باطل هم ردیف شرک به خداوند است، سپس آیه ۳۰ سوره حج را تلاوت کردند: بپرهیزید از بت‌ها و از سخن ناروا و ناحق، دوری کنید. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۴، ص ۹۲) ۲- امام صادق (ع): شاهد الزور لا تزول قدمه حتی تجب له النار. (کلینی ۱۴۱۱ق، ۷، ۳۸۳) شاهد زور قدم بر نمی‌دارد مگر اینکه آتش جهنم برایش واجب می‌گردد.

۲. مجازات شاهد زور

۲-۱. در فقه امامیه

شهادت زور در کتب قضا و شهادت تحت عنوان طواری مورد توجه و بحث فقیهان امامیه قرار گرفته است و در مباحث فقه مدنی نکاح، طلاق، وصیت، معاملات، تجارت و... و مباحث فقه جزایی قصاص، حدود، دیات و تعزیرات، تحت عناوین قتل، زنا، لواط، سرقت، قذف، شرب خمر، قوادی و... و به طور کلی هرآنچه با شهود به اثبات می‌رسد چه از راه شنیدن چه دیدن، بدان پرداخته شده است.

۲-۱-۱. مجازات تشهیر

شهادت زور در فقه به عنوان جرم مطلق تلقی می شود، لذا شارع، در قالب مجازات های عمومی، مجازات تشهیر را که از اختصاصات مهم فقه می باشد به عنوان عامل مهم پیشگیری از جرم مزبور و به منظور عبرت جامعه از بکارگیری شاهد زور در شهادت و عدم تکرار مجرم به ارتکاب آن، پیش بینی کرده است.

معنای تشهیر: در لغت: مصدر باب تفعیل از ریشه شَهَرَ می باشد و لغت دانان معانی متعددی را برایش ذکر کرده اند مثل: آشکار شدن عمل (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ص ۵۶). ظاهر کردن و نمایاندن شیء به نحو قبیح و زشت در میان مردم و به منظور آگاه شدن آنان (فراهیدی، ۱۴۲۵ق، ۳۹۹). افشا کردن و رسوا کردن بین مردم (فیومی، ۱۴۰۵ق، ۱، ۳۲۵). ذکر کردن و شناساندن (معلوف، ۱۳۸۵ش، ص ۴۰۶). و در اصطلاح: اعلان مجازات مجرم و ندا دادن به گناه او در برابر مردم، بالاخص در جرائمی که در آنها به عنوان امین مردم به مجرم اعتماد می شود، تا او را بشناسند و از او دوری نمایند. (عوده، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۷۰۴) به معنای گسترش و رواج دادن بدی و زشتی عمل کسی بین مردم. (قلعجی، ۱۴۰۵ق، ص ۱۳۰)

مبانی تشهیر: ۱- روایت سماعه بن مهران از امام صادق (ع)، شاهدان زور باید تازیانه زده شوند که وقت خاصی برای آن نیست و باید در شهر گردانده شوند تا او را بشناسند و دو باره مرتکب آن نشوند ... (حرعاملی، ۱۴۳۲ق، ۲۷، ۳۳۳) در بررسی سند روایت آنرا مضمهره و مخدوش عنوان کرده اند زیرا شخص مورد سوال یا گوینده سخن مشخص نیست. ولی باید گفت این مطلب اشکالی ایجاد نمی کند زیرا سماعه کتابی داشته که در ابتدای آن از امام صادق (ع) نقل کرده و سپس بقیه روایات را عطف بر آن کرده است. از این رو وقتی روایات او را به شکل پراکنده در کتاب های دیگر نقل کرده اند به صورت مضمهره در آمده است. ۲- روایت عبد اله بن سنان از امام صادق (ع): شاهدان زور باید تازیانه زده شوند که وقت خاصی هم ندارد و این امر بر عهده امام است و باید در شهر گردانده شوند تا مردم آنها را بشناسند و آیه ۴ و ۵ سوره نور را تلاوت کردند... (حرعاملی، ۱۴۳۲ق، ۲۷، ۳۳۴) ظاهرا در سند این روایت هیچ مشکلی نیست و گفته شده عبدالله از فقهای صالح و موثقی است که هرگز مورد طعن و ایراد قرار نگرفته و حتی بسیار مدح شده است. (تفرشی، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۱۱۳) ۳- روایت غیاث بن ابراهیم از امام جعفر صادق (ع) که از پدرش نقل کرده هرگاه علی (ع) شاهد زور را دستگیر می کرد، اگر غریب بود، او را به محله و شهر خودش می فرستاد، و اگر بازاری بود او را به بازار محل کسب و کارش می فرستاد و گردانده می شد و چندین روز او را زندانی می کرد و سپس آزادش می کرد. (حرعاملی، ۱۴۳۲ق، ۲۷، ۳۳۴) این روایت به لحاظ سندی موثق است (مجلسی اول، ۱۴۰۶ق، ۱۶۳: ۶؛ طباطبایی حائری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۵، ص ۴۳۲) حتی اگر این روایت را مرسل هم بدانیم، استناد

به عمل و فتوای فقیهان بزرگ و مشهور امامیه به ویژه اصحاب اجماع، بر اساس احادیث مرسل، ضعف سندی را جبران و آنها را قابل استناد خواهد کرد، که اصطلاحاً به این وضعیت جبران ضعف سندی به شهرت عملی گفته می‌شود. (بجنوردی، ۱۳۸۹ق، ج ۳، ص ۱۲۱)

حکم تشهیر: یکی از چالش‌هایی که در خصوص تشهیر مطرح می‌شود ادعای عدم وجوب آن است زیرا بعضی فقها مثل شیخ مفید و ابن ادریس آن را با لفظ ینبغی یعنی سزاوار است، بیان کرده‌اند (ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۵۲۹) ولی با توجه به اینکه اکثر فقها بلکه مشهور فقها قائل به وجوب تشهیر هستند و فقط دو فقیه قائل به ینبغی شده‌اند این مخالفت، خدشه‌ای به وجوب آن وارد نمی‌سازد. و اینکه آنها در مقام طرح استحباب برای تشهیر نبوده‌اند تا از لفظ ینبغی بتوان برداشت عدم وجوب کرد زیرا شیخ مفید در کنار تشهیر از وجوب تعزیر نام برده است. و ابن ادریس نیز چون تعزیر تحت اختیار حاکم می‌باشد، نخواسته که به وجوب آن برای حاکم، حکم کرده باشد. و باید گفت اگر تشهیر همانند تعزیر باشد به نظر حاکم وابسته است.

۲-۲. مجازات شهادت زور در حقوق ایران

مجازات اصلی: در حقوق ایران جرم شهادت زور جرمی تعزیری محسوب می‌شود و مجازات آن طبق صریح ماده ۶۵۰ ق.م.ا. عبارتست از جزای نقدی و حبس و طبق تبصره ماده مذکور شامل حد، قصاص یا دیه متناسب با نتیجه حاصل از ارتکاب شهادت زور می‌باشد. ماده ۶۵۰ ق.م.ا.: هرکس در دادگاه نزد مقامات رسمی شهادت دروغ بدهد به سه ماه و یک روز تا دو سال حبس و یا به یک میلیون و پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد. تبصره - مجازات مذکور در این ماده علاوه بر مجازاتی است که در باب حدود و قصاص و دیات برای شهادت دروغ ذکر گردیده است. مهم‌ترین جرم انگاری در حقوق کیفری ایران در زمینه مسئولیت کیفری شاهد مربوط به ادای شهادت کذب می‌باشد که در حال حاضر موضوع ماده ۶۵۰ قانون مجازات اسلامی است (ابوالحسنی، و آسیابان طاهری، ۱۳۹۲ش، ۱۲۶). جرائم دیگری که در راستای بررسی مسئولیت کیفری شاهد می‌توان نام برد موضوع مواد ۱۸۲ و ۲۰۰ قانون مجازات اسلامی در رابطه با جرم زنا و لواط است، در این جرائم شاهد اگر چه لزوماً شهادت کذب را مرتکب نشده اما به دلیل قذف موجب مجازات می‌باشد یعنی وقتی در زنا یا لواط اظهاراتی متفاوت و مختلف نسبت به یک جرم از سوی شهود ابراز گردد یا شهادت نصاب لازم را پیدا نکند شهود به حد قذف محکوم می‌شوند. از جبران خسارت، تعزیر توسط زندان یا جزای نقدی و اجرای حد (قذف یا قصاص) و پرداخت دیه می‌توان به عنوان سایر مجازات‌های شهادت زور در حقوق ایران نام برد.

مجازات تکمیلی: طبق ماده ۲۳ ق.م.ا. دادگاه می تواند فردی را که به حد، قصاص یا مجازات تعزیری از درجه شش تا درجه یک محکوم کرده است با رعایت شرایط مقرر در این قانون، متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات وی به یک یا چند مجازات از مجازاتهای تکمیلی زیر محکوم نماید: الف- اقامت اجباری در محل معین ب- منع از اقامت در محل یا محل های معین پ- منع از اشتغال به شغل حرفه یا کار معین ت- انفصال از خدمات دولتی و عمومی ث- منع از رانندگی با وسایل نقلیه موتوری و یا تصدی وسایل موتوری ج- منع از داشتن دسته چک و یا اصدار اسناد تجارتي چ- منع از حمل سلاح ح- منع از خروج اتباع ایران از کشور خ- اخراج بیگانگان از کشور د- الزام به خدمات عمومی ذ- منع از عضویت در احزاب، گروه ها و دستجات سیاسی یا اجتماعی ر- توقیف وسایل ارتكاب جرم یا رسانه یا موسسه دخیل در ارتكاب جرم ز- الزام به یادگیری حرفه شغل یا کار معین ژ- الزام به تحصیل س- انتشار حکم محکومیت قطعی.

مجازات تبعی: طبق ماده ۲۵ ق. م. ا. مجازاتهای تبعی محکوم عبارتست از محرومیت هفت، سه یا دو ساله از حقوق اجتماعی که طبق ماده ۲۵ ق.م.ا. نمونه ای از آنها عبارتست از عضویت در شوراهای شهر و روستا، انتخاب شدن یا عضویت در انجمن ها، شوراهای احزاب و جمعیت ها به موجب قانون یا برای مردم، عضویت در هیات های منصفه و امانا و شوراهای حل اختلاف، استخدام و یا اشتغال در کلیه دستگاههای حکومتی اعم از قوای سه گانه و سازمان ها و شرکت های وابسته به آنها، قیم و امین و متولی و ناظر و متولی موقوفات و داور.

علیرغم وجود مجازات های سه گانه یاد شده در حقوق ایران باید گفت برای مجازات شهادت زور همانند قوانین مصر، مواد متعدد و جداگانه وضع نگردیده و در قالب مجازاتهای تکمیلی و تبعی نیز صراحتاً به شهادت زور اشاره نشده است. برخلاف قوانین دیگر کشورهای اسلامی (از جمله مصر) قانون ایران توجه ویژه ای به این نوع بزه مخرب و متعارض با عدالت قضایی و کیفر ویژه مترتب بر آن یعنی تشهیر ننموده است (مرتاضی، موسوی رکنی، ساریخانی، ملک افضلی، ۱۳۹۳، ش، ۱۲۱).

۲-۳. مجازات در حقوق مصر

برای بررسی انواع مجازات در حقوق مصر ابتدا باید انواع جرائم را مورد شناسایی قرار داد لذا اقسام جرائم طبق ماده ۹ قانون عقوبات مصر، عبارتند از: جنایات، جنحه ها و امور خلاف.

جنایت: جرائمی که مرتکب آن به مجازات های اعدام، زندان ابد، زندان مشدد و زندان محکوم می شود (ماده ۱۰ قانون عقوبات مصر).

جنحه: جرائمی که مرتکب، به مجازات های حبس، جزای نقدی که حداکثر آن بیشتر از صد جنیه نباشد، محکوم می شود (ماده ۱۱ قانون عقوبات مصر).

خلاف: امور خلافی، جرائمی که مجازات مقرر برای آنها بیشتر از صد جنیه نمی باشد (ماده ۱۲ قانون عقوبات مصر).

۲-۳-۱. اقسام مجازات

در حقوق مصر مجازات های مختلفی متناسب با هر یک جرائم یاد شده، به شرح ذیل پیش بینی شده است:

یک- اعدام، زندان ابد، زندان مشدد و زندان و محرومیت از حقوق و مزایای مختلف برای جرائم جنایی. طبق ماده ۱۳ قانون عقوبات مصر- هر کس به اعدام محکوم شود به دار آویخته می شود. و بر اساس ماده ۱۴ قانون عقوبات مصر- زندان ابد و زندان مشدد عبارت از زندانی کردن محکوم علیه در یکی از زندانهایی که قانون تعیین کرده است و به کار واداشتن محکوم علیه به کارهای معینی که دادگاه تعیین می کند. اگر مجازات حبس ابد باشد، برای تمام دوران و اگر مشدد باشد، تا زمان حکم است. مدت زمان حبس مشدد از سه سال کمتر و از پانزده سال بیشتر نمی باشد مگر در موارد خاصی که در قانون پیش بینی شده باشد.

دو- حبس و جزای نقدی که حداکثر آن بیش از صد جنیه نباشد، برای جرائم جنحه. وفق ماده ۱۶ قانون عقوبات مصر- مجازات زندان عبارت است از حبس محکوم علیه در یکی از زندان های عمومی و به کار واداشتن او در داخل یا خارج از زندان به اعمالی که در حکم دادگاه برای او تعیین شده است. این مدت نباید کمتر از سه سال و بیشتر از پانزده سال باشد مگر در شرایط خاصی که در قانون مقرر شده باشد. و طبق ماده ۱۸ قانون عقوبات مصر- مجازات حبس عبارت است از محبوس کردن محکوم علیه در یکی از زندان های مرکزی یا زندان های عمومی به میزان محکومیت وی و نباید مدت آن کمتر از بیست و چهار ساعت و بیشتر از سه سال باشد مگر در شرایط خاص که در قانون مقرر شده است. و ماده ۱۹ قانون عقوبات مصر- مجازات حبس را بر دو نوع تقسیم می کند: حبس بسیط، حبس با کار. محکوم علیه به حبس با کار که در حکم دادگاه معین شده ممکن است در خارج از زندان به کار گرفته شود.

سه- جزای نقدی که بیش از صد جَنیه نباشد برای امور خلاف. ماده ۲۲ قانون عقوبات مصر مقرر می دارد: مجازات جزای نقدی عبارت است از الزام محکوم علیه به پرداخت مبلغ مقرر در حکم به خزانه دولت مقدار جزای نقدی نباید کمتر از صد قروش و در جرائم جنحه ای نباید بیشتر از پانصد جَنیه باشد و طبق ماده ۲۳ قانون عقوبات مصر: اگر کسی بازداشت موقت شود و حکم صادره او جزای نقدی باشد هر روز حبس او پنج جَنیه محاسبه و از جزای نقدی او کسر می گردد.

۲-۳-۲. مجازات شاهد زور

انواع مجازات شاهد زور عبارتست از جبران خسارت، جزای نقدی، زندان معمولی، زندان مشدد و اعدام.

اعدام و حبس مشدد- طبق ماده ۲۹۵ قانون عقوبات مصر: اگر شهادت دروغ به گونه ای بر حکم دادگاه تاثیر گذارد که موجب ضرر متهم شود، کسی که اقدام به دادن شهادت دروغ به ضرر متهم کرده است به زندان مشدد یا زندان محکوم می شود، اگر شهادت دروغ موجب صدور حکم اعدام متهم شود و حکم اعدام اجرا گردد، کسی که اقدام به دادن شهادت دروغ کرده است، محکوم به اعدام می شود. و طبق ماده ۲۳۰ قانون عقوبات: هر کس عمدا و با سبق تصمیم یا تمهید مقدمات مرتکب قتل نفس بشود به اعدام محکوم می شود.

حبس- طبق ماده ۲۹۴ ق.ع.م. هر کس در امور جنایی به نفع یا ضرر متهم شهادت دروغ بدهد به مجازات حبس محکوم می شود. و طبق ماده ۲۹۶ هر کس در امور جنحه یا امور خلاف به ضرر متهم شهادت دروغ بدهد یا به نفع او اقدام به شهادت کذب کند به حبس که بیشتر از دو سال نباشد، محکوم می گردد. طبق ماده ۲۹۷ هر کس در دعوی مدنی شهادت دروغ دهد به مجازات حبس که بیشتر از دو سال نباشد محکوم می شود.

حبس ابد و جزای نقدی- مجازات شاهد زور مرتشی می باشد. ماده ۲۹۸ اگر شاهد در ازای شهادت دروغ در امور جنایی یا مدنی وجه یا مالی گرفته یا هدیه ای دریافت یا وعده ای را قبول کرده باشد، شاهد و پرداخت کننده وجه و وعده دهنده به مجازات رشوه یا به مجازات شهادت زور اگر اشد از مجازات رشوه باشد، محکوم می گردد. مجازات رشوه طبق موضوع ماده ۱۰۳ قانون عقوبات مصر زندان ابد و جزای نقدی می باشد. ماده ۱۰۳: هر کارمند دولت که برای خود یا برای دیگری جهت انجام وظیفه ای که به عهده دارد چیزی را قبول یا اخذ کند یا وعده یا هدیه ای را قبول نماید مرتشی محسوب می شود. مجازات مرتکب زندان ابد و جزای نقدی که از هزار جنیه کمتر و بیشتر از آنچه اخذ یا مورد وعده قرار گرفته نباشد، خواهد بود.

حبس و جزای نقدی - مجازات شاهد زور قاذف می باشد: ماده ۳۰۲ قانون عقوبات مصر: هر کس نسبت به دیگری به وسیله یکی از طرق مذکور در ماده ۱۷۱ این قانون اموری را که در

قانون دارای مجازات است و موجب مجازات آن فرد می شود نسبت دهد یا اموری را اسناد کند که سبب تحقیر او در نزد مردم گردد اگر چه امر اسنادی حقیقت باشد، قاذف محسوب می شود. ماده ۳۰۳ قانون عقوبات مصر: مجازات جرم ارتکاب قذف، حبس است که نباید بیشتر از یک سال باشد و جزای نقدی است که نباید کمتر از دو هزار و پانصد جنیه و بیشتر از هفت هزار و پانصد جنیه باشد یا یکی از این دو مجازات خواهد بود. ماده ۳۰۸ قانون عقوبات مصر: چنانچه اهانت یا قذف یا دشنام یا نسبت دادن عیوب به کسی که به یکی از طرق و موارد مذکور در ماده ۱۷۱ این قانون ارتکاب یافته است، متضمن و باعث بی آبرویی افراد گردد یا حرمت خانوادگی دیگران را خدشه دار کند، مجازات آن در حدود مقررات مذکور در مواد ... این قانون حبس و جزای نقدی می باشد.

مجازات تبعی محرومیت: طبق بند سه ماده ۲۵ قانون عقوبات مصر هر کس به یک مجازات جنایی محکوم شود از : یک: انجام هر خدمت دولتی دو: استفاده از علائم و نشانه های رسمی و دولتی سه: شهادت دادن نزد محاکم در مدت مجازات چهار- اداره و سرپرستی اموال و املاک خود در مدت مجازات، محروم می شود، مگر در مواردی که دادگاه برای کسب دلیل او را احضار کند.

نتیجه گیری

۱- شهادت، بالاتفاق در فقه امامیه و حقوق ایران و مصر یکی از ادله اثبات دعوا می باشد و شهادت زور علاوه بر فقه در دو سیستم حقوقی ایران و مصر به عنوان جرم مطلق، جرم انگاری شده است.

۲- برای سلامت شهادت از گزند آسیب ها، اقدامات و تدابیری قبل ارتکاب جرم و بعد از وقوع جرم به منظور اجتناب از وقوع و تکرار جرم قابل طرح است. که حوزه اقدامات پیشینی به اقدامات کنشی و حوزه اقدامات پسینی به اقدامات واکنشی قابل تقسیم است.

الف- حوزه پیشینی اقدامات پیشگیرانه - در حوزه پیشینی، بکارگیری شاهد عادل و متصف به اخلاق برای اداء شهادت از تدابیر مهم وصول به هدف یادشده می باشد. زیرا وجود ایمان و تقوا و اخلاق در فرد به مثابه پلیس درونی، او را از ارتکاب بزه و گناه باز می دارد. لذا بهترین اقدام پیشگیرانه را می توان بکارگیری شاهدهی که متصف به عدالت و پرهیزگاری و خداترسی و اخلاق حسنه باشد، عنوان نمود.

نقاط ضعف و قوت: در حقوق مصر هر شخص بالغ و عاقل با هر دین و آیینی و هر جنسیتی می تواند ادای شهادت نماید لذا خلاء صفت بازدارنده عدالت و عدم توجه صریح به اصول اخلاقی برای شاهد در حقوق مصر را می توان از نقاط ضعف این سیستم حقوقی نام برد. ولی در فقه و حقوق ایران عدالت و آموزه های دینی و اخلاقی برای شاهد را می توان از نقاط قوت آنها بر شمرد و به نظر می رسد با بکارگیری شاهد عادل و متخلق به اخلاق حسنه، موجبات احتراز وی از ارتکاب به گناه کبیره که از مصادیق بارز آن دروغگویی می باشد، فراهم خواهد شد.

ب- حوزه پسینی اقدامات پیشگیرانه: یک- اشتراکات سه سیستم حقوقی عبارتند از وجود مجازات های مختلف برای شاهد زور یعنی: جبران خسارت، حبس، جزای نقدی و زندان و اعدام متناسب با ایجاد جرم حاصل از شهادت زور. دو- افتراقات: شهادت زور در فقه و حقوق ایران به عنوان جرم مطلق، جرم انگاری شده و عمد و قصد در آن راه ندارد لذا در فقه مجازات عمومی شاهد زور در قالب تشهیر و تعزیر و در حقوق ایران در قالب تعزیر ذکر گردیده اگر چه در حقوق ایران ذکری از تشهیر به میان نیامده است.

نقاط قوت و ضعف- وجود مجازات تشهیر یکی از مهم ترین امتیازات فقه نسبت به حقوق ایران و مصر است. در حقوق مصر با توجه به تقسیم جرائم در سه قالب جنایت، جنحه و خلاف، مجازات های اختصاصی جزای نقدی، زندان و اعدام متناسب با هر یک از اقسام سه گانه جرائم

طی مواد هفت گانه ۲۹۴ تا ۳۰۰ قانون عقوبات که موجب تحقق متناسب سازی جرم و مجازات است را می توان از نقاط قوت حقوق مصر بر شمرد. ضعف مشترک حقوق ایران و مصر را باید عدم ذکر مجازات تشهیر نام برد. همچنین وجود تنها یک ماده قانونی (۶۵۰ ق.م.ا.) و تعیین جزای نقدی یک میلیون تا دوازده میلیون ریال که با توجه به تورم، تناسب بین جرم و مجازات را مخدوش کرده را می توان ضعف دیگر حقوق ایران یاد کرد لذا بهتر بود قانونگذار به منظور رعایت تناسب جرم و مجازات نسبت به تعیین نوع جرم و بزه و ذکر مجازات آن، همانند قانون عقوبات مصر در مواد ۲۹۴ تا ۳۰۰ اقدام می نمود زیرا با توجه به اختلاف سطح دانش و تجربه قضات در دادگاه ها، ممکن است احکامی غیر متناسب با نوع جرم حاصل از شهادت زور از سوی قضات غیر مجتهد یا کم تجربه صادر گردد.

فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- آخوندی، محمود. (۱۳۶۸ش). آیین دادرسی کیفری، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد.
- ۳- ابن ادریس عجللی حلی، محمد. (۱۴۱۰ق). السرائر، قم، موسسه نشر اسلامی جامعه مدرسین.
- ۴- ابن حمزه، محمد بن علی. (۱۴۰۸ق). الوسيله. قم، مکتبه آیه اله مرعشی نجفی.
- ۵- ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب، بیروت، دار صا، چاپ سوم.
- ۶- ابوالحسنی، سلامه؛ آسیابان طاهری، محمد حسن. (۱۳۹۲ش). بررسی مسئولیت کیفری شاهد، مجله مطالعات بین المللی پلیس، شماره ۱۵.
- ۷- اردبیلی، محمد علی. (۱۳۸۰ش). حقوق جزای عمومی. تهران، نشر میزان.
- ۸- السنهوری، عبدالرزاق احمد. (۲۰۰۹م). الوسیط، بیروت، منشورات الحلبي الحقوقیه. جلد ۲.
- ۹- انصاری، مرتضی. (۱۴۴ق). رسائل فقهیه، قم، مجمع الفکر الاسلامی، چاپ اول.
- ۱۰- _____ . (۱۳۷۴ش). مکاسب، قم، انتشارات اسماعیلیان، چاپ سوم.
- ۱۱- ایزدی فرد، علی اکبر؛ کاویار، حسین؛ حسین نژاد، سید مجتبی. (۱۳۹۷ش). عدالت نفسانی قاضی، فصلنامه دیدگاه های حقوق قضایی، شماره ۸۱.
- ۱۲- بجنوردی، سید میرزا حسن. (۱۳۸۹ق). القواعد الفقهیه، قم، دارالکتب العلمیه.
- ۱۳- بهرامی، بهرام. (۱۳۹۷ش). بایسته های ادله اثبات، تهران، نگاه بینه، چاپ هفتم.
- ۱۴- تفرشی، سید مصطفی. (۱۴۱۸ق). نقد الرجال، قم، موسسه آل البيت، چاپ اول.
- ۱۵- جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۷۸ش). ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش.
- ۱۶- حرعاملی، محمد بن حسن. (۱۴۳۲ق). وسائل الشیعه، قم، موسسه النشر الاسلامی.
- ۱۷- خواجه نصیر طوسی، محمد بن محمد بن حسن، (۱۳۷۷ش)، اخلاق محتشمی، تهران، دانشگاه تهران.
- ۱۸- خوانساری، سید احمد. (۱۳۵۵ش). جامع المدارک، تهران، مکتبه الصدوق.
- ۱۹- خمینی، سید روح اله. (۱۳۸۴ش). تحریر الوسيله، ترجمه علی اسلامی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- ۲۰- خویی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۸ق). الموسوعه (اجتهاد و تقلید)، قم، موسسه الخویی، ج ۱.
- ۲۱- دارابی، شهرداد. (۱۳۹۷ش). پیشگیری از جرم در مدل مردم سالار سیاست جنایی، تهران، میزان، چاپ دوم.
- ۲۲- داد مرزی، سیدمهدی، دانش نیا، محمد. (۱۳۹۴ش). دوره حقوق تعهدات، قم، دانشگاه قم.
- ۲۳- دانش، تاج الزمان. (۱۳۹۳ش). مجرم کیست، جرم شناسی چیست، تهران، کیهان.

چاپ هشتم.

- ۲۴- زراعت، عباس. (۱۳۹۷ش). شرح مبسوط قانون مجازات اسلامی، تهران، انتشارات جنگل.
- ۲۵- شهید اول، محمد بن مکی. (بی تا). القواعد و الفوائد. قم، مکتبه المفید.
- ۲۶- _____ . (۱۴۱۲ق). الدروس. قم، موسسه النشر الاسلامی.
- ۲۷- _____ . (۱۴۱۹ق). الذکری. قم، موسسه آل البيت. چاپ اول.
- ۲۸- شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۱۴۱۳ق). مسالك الافهام، قم، موسسه المعارف الاسلامیه.
- ۲۹- _____ . (بی تا). الروضه البهیة (اللمعه دمشقیه)، بیروت، دارالعالم الاسلامی.
- ۳۰- شهید مطهری، مرتضی، (۱۳۷۰ش). مجموعه اثار، تهران: انتشارات صدرا.
- ۳۱- شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن. (بی تا). المبسوط فی الفقه الامامیه، تهران، المرتضویه.
- ۳۲- _____ . (۱۴۰۷ق). الخلاف، قم، موسسه النشر الاسلامی.
- ۳۳- _____ . (۱۴۱۷ق). النهايه فی مجرد الفقه و الفتاوى، قم، نشر اسلامی.
- ۳۴- شیخ مفید، محمد بن محمد نعمان. (۱۴۱۰ق). المقنعه، قم، موسسه النشر الاسلامی.
- ۳۵- شیخ نیا، امیر حسین. (۱۳۷۴ش). ادله اثبات دعوی، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- ۳۶- شیکر، دیوید. (۱۳۹۳ش). مفهوم و ماهیت مجازات، ترجمه آقای، حسین، تهران، انتشارات جنگل.
- ۳۷- طباطبایی حائری، سیدعلی. (۱۴۱۲ق). ریاض المسائل، قم، موسسه نشر اسلامی.
- ۳۸- عبدالمالک، جندی. (۱۳۴۹ق). الموسوعه الجنائیه، بیروت، دارالاحیاء لتراث العربی.
- ۳۹- علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر. (۱۴۱۳ق). قواعد الاحکام، قم، موسسه النشر الاسلامی.
- ۴۰- _____ . (۱۴۱۳ق). مختلف الشیعہ الی تحصیل مسائل الشیعہ، قم، موسسه النشر الاسلامی.
- ۴۱- عوده، عبدالقادر. (۱۴۱۳ق). التشريع الجنایى الاسلامی مقارنا بالقانون الوضعی، بیروت، موسسه الرساله.
- ۴۲- فاضل هندی، محمد بن حسن. (۱۴۱۶ق). كشف اللثام و الابهام، قم، موسسه نشر اسلامی.
- ۴۳- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۲۵ق). کتاب العين، قم، اسوه.
- ۴۴- فیض کاشانی، محمد محسن. (۱۴۱۵ق). تفسیر الصافی، تهران، مکتبه الصدر.

- ۴۵- فیومی، احمد بن حمد. (۱۴۰۵ق). المصباح المنیر، قم، دارالهجره.
- ۴۶- قلجی، محمد. (۱۴۰۵ق). معجم لغه الفقهاء، بیروت، دار النفائس و النشر، چاپ اول.
- ۴۷- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۶ش). الزامهای خارج از قرارداد، تهران، دانشگاه تهران.
- ۴۸- _____ . (۱۳۶۸ش). حقوق جزای عمومی ایران، تهران، دانشگاه تهران.
- ۴۹- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۱۱ق). اصول الکافی، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
- ۵۰- مجلسی اول، محمد تقی. (۱۴۰۶ق). روضه المتقن فی شرح من لا یحضر الفقیه، قم، موسسه کوشانپور.
- ۵۱- محقق ثانی (کرکی)، شیخ نورالدین علی. (۱۴۱۴ق). جامع المقاصد، قم، موسسه آل البیت.
- ۵۲- محقق حلی، ابوالقاسم جعفر بن حسن. (۱۳۶۴ش). الشرایع، ترجمه ابوالقاسم یزدی، تهران، نشر دانشگاه تهران.
- ۵۳- محمدی، حمید. (۱۳۹۵ش). مسولیت کیفری ناشی از فعل غیر در حقوق کیفری ایران و مصر، تهران، گنج دانش.
- ۵۴- مرتاضی، احمد؛ موسوی رکنی، علی اصغر؛ ساریخانی، عادل؛ ملک افضلی، محسن. (۱۳۹۳ش). بررسی معنا شناختی شهادت زور و ضرورت معرفی عمومی، فصلنامه پژوهش های فقه و حقوق اسلامی، شماره ۳۵.
- ۵۵- مظلومان، رضا. (۱۳۵۶ش). کلیات جرم شناسی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- ۵۶- معلوف، لوئیس. (۱۳۸۵ش). فرهنگ جامع نوین، تهران، کتابفروشی اسلام.
- ۵۷- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴ش). تفسیر نمونه. تهران، دارالکتب الاسلامیه. چاپ اول.
- ۵۸- نجفی، محمد حسن. (۱۴۰۸ق). جواهر الکلام، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ۵۹- نجفی ابرنآبادی، علی حسین. (۱۳۸۳ش)، علوم جنایی (مجموعه مقالات)، تهران، سمت.
- ۶۰- _____ . (۱۳۷۸ش). پیشگیری از بزهکاری و پلیس محلی، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۲۵ و ۲۶.
- ۶۱- نراقی، احمد. (۱۴۱۹ق). مستندالشیعه فی احکام الشریعه. قم، موسسه آل البیت لاحیاء التراث.
- ۶۲- نوربها، رضا. (۱۳۸۶ش). زمینه حقوق جزای عمومی، تهران، گنج دانش. چاپ بیستم.
- ۶۳- ولیدی، محمد صالح. (۱۳۸۸ش). پیشگیری از جرم در آموزه های اسلامی، مجله مطالعات پیشگیری از جرم، ش ۱۱.
- ۶۴- _____ . (۱۳۸۴ش). حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات سمت، چاپ نهم.

